

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مسعود الوند
۰۹ مارچ ۲۰۲۵

«بد حجاب»

یکی خانم خوشگل و شیک پوش به منظور گشت و خرید و فروش
به تاکسی نشست و به میدان برفت
گذر کرد از آن خطه عضو بسیج
چماق و اسیدی به دستان بداشت
به خانم نظر کرد و چند آه گفت
جلو رفت و با مشت و با عر و عر
که ای کافر از خدا بی خبر
چرا زلف خود را پریشان کنی
چرا رنگ دامان تو آبی است
به لب های تو ناله و آه نیست
تو با عشوه و خنده و دلبری
تو زن ناقص العقل باشی و بس
هر آندم که امام فرمان دهد
بریزم اسیدم به چشمان تو
بدینسان شوی کور و خانه نشین
بدینگونه آن خانم آمد سخن
که مغز تو یک سر درآورده اند
تو و رهبرت به، که هردو به گور
چه دانی توازن جز ارضای خود؟
تو انگل ندانی که زن آدم است
نه بینی زنان را به میدان کار
نه دیدی که زن کودکت درس داد
نه بینی که زن علم را یار کرد
به منظور گشت و خرید و فروش
به منظور اجناس ارزان برفت
یکی ابله کودن لات و گیج
سلاح و تبر نیز پنهان بداشت
بعد از آن هم استغفرالله گفت
بشد با چماقش به او حمله ور
چرا کرده ای سوی مردان نظر؟
و از مؤمنان سلب ایمان کنی؟
و لبهای تو سرخ عنابی است؟
نشانی ز آیات الله نیست
شوی دشمن دین و هم رهبری
به دین و به ایمان بشاشی و بس
فرامین آیات قرآن دهد
زنم با تبر بر تن و جان تو
نیائی دگر جنگ افیون دین
بداد پاسخ خود به آن کرگدن
و جایش همه یونجه پر کرده اند
که باشید به ضد شادی و شور
به جز بردگی هوسهای خود؟
گرفتار عشق و نشاط و غم است؟
به رنج و به زحمت هزاران هزار؟
و آن یک به دستانت مرهم نهاد؟
مداوای صد فرد بیمار کرد؟

نه دانی که زن مادری کرده است جهان را به دامانش پرورده است؟
 تو ای جانی انگل فتنه جو چه بالاتر از زن تو داری بگو؟
 تو زالو فقط این یکی را بدان اگر کور باشم و یا ناتوان
 از امام خونخوار تو برترم به دنبال دنیای انسانی ترم
 تو دینت به دامن من بسته است به شورت و به تنبان من بسته است؟
 ترا چه که من خنده لب بوده ام به ضد سیاهی شب بوده ام؟
 ترا چه که من عشوه ها کرده ام اراجیف دینت رها کرده ام؟
 چو مویم بگردد ز چادر رها خدای تو هم می شود اژدها
 بگیرد مرا در جهنم کند بسوزاند و پوستم هم برکند
 ترا چه شوی قیم این خدا بگردی شب و روز دنبال ما؟
 برو گور خود را به جایی بکن نباشی تو در گور همراه من
 برو هرچه خود ریده ای آن بخور برای حراست ز قرآن بخور

که فردا چو برگردد این روزگار

به بد گونه ای آرم از تو دمار

توضیحات:

ای مردم، بدانید که زنان را ایمان ناقص است و بهره مندبایشان ناقص است و عقلهایشان ناقص است. اما ناقص بودن ایمانشان از آن روست که در ایام حیض از خواندن نماز و گرفتن روزه معذورند و ناقص بودن عقلهایشان، بدان دلیل است که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است و نقصان بهره مندیشان در این است که میراث زنان نصف میراث مردان است. از زنان بد بهره‌زید و از زنان خوب حذر کنید و کار نیک را به خاطر اطاعت از آنان انجام مدهید، تا به کارهای زشت طمع نکنند.

خطبه ۸۰ نهج البلاغه